

**نویسنده:** کولی بونزیل «cole Bunzel» .  
**منبع و تاریخ نشر:** مجله مسایل بین المللی «2022-08-03» .  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## حرکت بعدی القاعده

### Al Qaeda's Next Move

معنای مرگ ظواهری برای جهاد جهانی

### What Zawahiri's Death Means for Global Jihadism



اسامه بن لادن و ایمن الظواهری رهبران سابق القاعده در افغانستان، نوامبر 2001

\*\*\*\*\*

ایمن الظواهری بازمانده نهایی بود - یعنی که از جمله رهبر آخری بود که در قید حیات بود و تا مدت (20) سال چندان به چشم نمیخورد یعنی که از نظرها غایب و پنهان بود ، حالانکه رژه سایر رهبران جهادی - از جمله **ابو مصعب الزرقاوی** ، **اسامه بن لادن** ، **ابوبکر البغدادی** و **انور العولقی** - به دست نیروهای آمریکایی به پایان رسیدند یا که نیست و نا بود شدند.. اما **ظواهری** زنده ماند و به ظاهر در

برابر اطلاعات و پهپادهای آمریکایی آسیب ناپذیر بود .

سپس، یکشنبه گذشته، مردی که در سال 2011 جانشین **بن لادن** به عنوان امیرالقاعده شد، سرانجام به سرنوشت خود رسید و در حالی که در بالکن یک خانه امن در کابل، پایتخت افغانستان ایستاده بود، مورد اصابت دو موشک **هلفایر** قرار گرفت. به گفته **جو بایدن**، رئیس جمهور ایالات متحده، که دوشنبه شب در یک سخنرانی تلویزیونی از موفقیت آمیز این حمله خبر داد، هیچ تلفات غیرنظامی در پی نداشت .

از نظر ایالات متحده، کشتن **ظواهری** به فصلی از جنگ تحت رهبری ایالات متحده علیه تروریسم پایان می دهد که هدف آن محاکمه مسئولین حملات 11 سپتامبر است، حتی اگر نقش **ظواهری** در طراحی این حملات گاهی اغراق آمیز هم باشد. و این واقعیت که **ظواهری** در کابل بود - و استخبارات ایالات متحده توانست او را در آنجا هدف قرار دهد - بحث های طولانی در مورد تصمیم خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و نحوه نزدیک شدن به رژیم طالبان را زنده می کند. برای القاعده، مرگ **ظواهری** یک چالش فوری و کوتاه مدت در رابطه با جانشینی، و یک چالش دشوارتر و طولانی مدت برای حل و فصل تنش ها و تناقضات داخلی است که این سازمان سال هاست که آنها را نادیده گرفته است .

## داکتر جهاد

**ظواهری** که در سال 1951 در خارج از قاهره متولد شد، از خانواده ای ثروتمند و معتبر مصری بود. پدرش، **محمد**، یک طبیب جراح بود و **ظواهری** جوان او را یعنی پدر اش را در این حرفه دنبال کرد و در سال 1974 از دانشگاه قاهره با مدرک دوکتور طب فارغ التحصیل شد. با این حال، علاقه او مبارزه در راه جهاد بود که در مبارزه مسلحانه با مصری ها تجسم یافت. دولتی که به اعتقاد وی حاکمان آن به دلیل عدم اجرای شریعت و برخورداری از روابط دوستانه با کشورهای کافر از جمله اسرائیل مرتکب ارتداد شده اند. این ایدئولوژی باعث ترور رئیس جمهور مصر انور السادات در سال 1981 شد، رویدادی که **ظواهری** در آن دخیل بود اما هیچ نقشی واقعی نداشت. **ظواهری** پس از گذراندن حدود چهار سال در زندان، که در طی آن تحت شکنجه قرار گرفت و مجبور به شهادت علیه دیگر جهادگران شد، در اواخر دهه 1980 به عنوان رهبر **جهاد اسلامی مصر (EIJ)**، همچنین به عنوان گروه جهاد، یک سازمان مصری شناخته شد. در تبعید که به دنبال سرنگونی دولت مصر بود. در دهه 1990، **ظواهری** به افغانستان پناهنده شد و به **بن لادن** نزدیک شد و در نهایت سازمان خود را با سازمان ثروتمند سعودی ادغام کرد. یک ادغام رسمی در **ژوئن 2001**، اندکی قبل از حملات 11 سپتامبر صورت گرفت و نام **القاعده الجهاد** را که هنوز هم نام رسمی القاعده است، به ارمغان آورد.

در افغانستان، **ظواهری** استراتژی جهاد منطقه ای خود را به نفع نبرد جهانی که توسط **بن لادن** دنبال می شود، کنار می گذارد، زیرا وی تصریح می کند که حمله به ایالات متحده و غرب پیش نیاز انقلاب در جهان اسلام است. تنها با ضربه زدن به ایالات متحده و بیرون راندن قدرت نظامی و دیپلماتیک آن از منطقه، می توان به تغییر مطلوب در داخل دست یافت. این مفهوم مبنایی برای حملات 11 سپتامبر بود و همچنان فریاد تجمع القاعده بوده است، حتی اگر این گروه در 20 سال گذشته، از جمله تحت رهبری **ظواهری**، نتوانسته است این استراتژی را با موفقیت اجرا کند .

**ظواهری** به خاطر چیزهای زیادی از جمله متون ایدئولوژیک متعدد و چندین مقاله سنگین در مورد تاریخ و مذهب به یاد خواهد ماند. اینها شامل یک خاطرات **500 صفحه ای** با عنوان شوالیه ها یا نجیب زاده های زیر پرچم پیامبر و یک کتاب **850 صفحه ای** جدید تر در مورد نظریه سیاسی اسلامی

و تاریخ تلاش های تبلیغی غرب در خاورمیانه است. او همچنین مجموعه قابل توجهی از سخنرانی‌ها و سخنرانی‌های ضبط شده به صورت ویدئویی یا صوتی را به جای می‌گذارد که در مجموع صدها ساعت، اگر نه بیشتر، ضبط شده است. با این حال، او به ویژه فصیح نبود. در واقع، **ظواهری** به طرز چشمگیری فاقد کاریزما بود، و خروجی های رسانه ای او - بی وقفه، پرمعنا، تکراری - احتمالاً بیشتر به صد مه زدن به شهرت او کمک کرد تا افزایش آن.

**ظواهری** به قدری مثر مثر بود که انسان متعجب می‌شود که چگونه او وقت داشت تا امور یک سازمان تروریستی جهانی را مدیریت کند - واقعیتی که بحث برانگیزترین جنبه میراث او را نشان می‌دهد: ظهور دولت اسلامی (همچنین به نام داعش) که به آن زمان رسید. القاعده را به عنوان تأثیرگذارترین سازمان جهادی جهان تحت الشعاع قرار دهید. زمانی که **ظواهری** پس از مرگ **بن لادن** در سال 2011 رهبری القاعده را بر عهده گرفت، رهبر بی‌رقیب جنبش جهادی جهانی بود. در اواخر سال 2014، دیگر چنین نبود، و حتی امروز، **داعش** برند جهادی بسیار قوی تری را حفظ کرده است - نتیجه ای که **ظواهری** به ایجاد آن کمک کرد.

### **بحث برانگیزترین جنبه میراث ظواهری ظهور داعش است.**

در اواسط سال 2013، **ظواهری** تصمیم گرفت تا اختلاف بین دو زیردستان رقیب در عراق و سوریه را حل و فصل کند. **بغدادی** گسترش شاخه القاعده را که او رهبری می‌کرد، دولت اسلامی عراق، به سوریه اعلام کرده بود و آنچه را که دولت اسلامی عراق و الشام می‌نامید تأسیس کرد. رهبر شاخه سوری القاعده موسوم به جبهه النصره، با این حال، از نفوذ محسوس خودداری کرد و علناً از **ظواهری** خواست تا مداخله کند. **ظواهری** در نامه ای که در سال 2013 توسط الجزیره به دست آمد و منتشر شد، به **بغدادی** دستور داد تا ادعای خود را پس بگیرد و فعالیت های خود را به عراق محدود کند. اما **بغدادی** مقاومت کرد و مدعی شد که این دستور خلاف شرع است. اندکی بعد، **داعش** اعلام کرد که **ظواهری** و القاعده با نرمش کردن بر حاکمان مسلمان مرتد و شیعیان، که جهادگران سنی آنها را تفرقه افکن می‌دانستند، از مسیر جهادی واقعی منحرف شده‌اند. یک سال بعد، **داعش** با تصرف شهرهای بزرگ و بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های عراق و سوریه و جلب توجه جهانیان - و تصورات هواداران جهادی در سراسر جهان اسلام، که هزاران نفر از آنها به منطقه سفر کردند تا به این گروه بپیوندند، خود را خلافت تازه‌ای اعلام کرد.

دو سال بعد، شاخه **سوری القاعده** که **ظواهری** برای نجات آن مداخله کرده بود نیز از گروه خارج شد زیرا به دنبال نقشی بیشتر در شورش **سوریه** علیه رژیم **بشار اسد** در **دمشق** بود. رهبران آن به دنبال پاسخگویی به مخاطبان گسترده تر و اطمینان بخشیدن به متحدان جدید، از بیعتی که با **ظواهری** داده بودند، چشم پوشی کردند. درست مانند آن، القاعده حضور خود را در قلب جهان عرب از دست داده بود. **ظواهری** دو بار به چالش کشیده شده بود و دو بار شکست خورده بود. در همین حال، تشدید کاهش این گروه، کشته شدن تعدادی از شخصیت‌های بلندپایه که به سوریه پناهنده شده بودند، بر اثر حملات هواپیماهای بدون سرنشین بود.

البته در این زمان هم همه چیز برای **داعش** خوب پیش نمی‌رفت. تا سال 2019، خلافت کنترل آخرین مناطق خود را در عراق و سوریه از دست داد و در اکتبر همان سال، نیروهای آمریکایی **بغدادی** را کشتند. در بهمن ماه امسال جا نشین او را هم حذف کردند.

## **پناهگاه امن؟**

دوران تصدی **ظواهری** یک شکست کامل نبود. تحت رهبری او، شعبه های القاعده در شمال آفریقا، سومالی و یمن در برابر نیروهای **داعش** مقاومت کردند و وفادار ماندند و شاخه های جدیدی

در جنوب آسیا و مالی شکل گرفتند که دومی به ویژه فعال بوده است. اما حتی با وجود اینکه **ظواهری** می‌توانست مدعی موفقیت در حفظ این شبکه باشد، نمی‌توان انکار کرد که او بر دوره‌ای نظارت کرده بود که در طی آن **القاعده** توسط یک رقیب پیشی گرفته بود و رهبری اصلی آن از بین رفته بود. **ظواهری** نیز به هدف اصلی خود یعنی حمله به آمریکا نرسیده بود. همانطور که محقق **تلی لحد** نشان داده است، رهبری مرکزی القاعده از 11 سپتامبر حمله موفقیت آمیز به ایالات متحده را هدایت نکرده است و آخرین اقدام تروریستی بین المللی موفقیت آمیز آن در سال 2002 در **مومبا سا، کنیا** رخ داد - عملیاتی که پیش از 11/9. این برنامه ریزی شده بود.

با این حال، به نظر می‌رسد که بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان در اوت 2021 ممکن است سرنوشت القاعده را تغییر دهد. **القاعده** از احیای حکومت طالبان به عنوان یک پیروزی چشمگیر برای جهاد جهانی ستایش کرد و بسیاری نگرانند که طالبان فضای را برای تحکیم و بازسازی این گروه فراهم کند. این نگرانی‌ها مطمئناً موجه است، اگرچه روابط این گروه با طالبان پیچیده است. همانطور که **پنتاگون** اخیراً گزارش داد: «در حالی که رهبران القاعده روابط طولانی مدت با رهبران ارشد طالبان دارند، این گروه توانایی‌های محدودی برای سفر و آموزش در داخل افغانستان دارد و احتمالاً به دلیل تلاش‌های طالبان برای دستیابی به مشروعیت بین المللی محدود شده است.» به گفته **پنتاگون**، این محدودیت‌ها ممکن است «طی 12 تا 24 ماه آینده» منقضی شوند، اما نشان‌دهنده این واقعیت است که اگرچه منافع گروه‌ها اغلب با هم تداخل دارند، اما یکسان نیستند. **القاعده** به دنبال نابودی نظام بین المللی است. طالبان به دنبال پیوستن به آن هستند (حتی اگر فقط برای براندازی آن). یکی از ویدئوهای پایانی **ظواهری**، انتقاد پنهانی از طالبان به دلیل تلاش برای نمایندگی افغانستان در سازمان ملل بود، سازمانی که او آن را نماینده یک نظام جهانی بی‌ایمانی می‌دانست که باید نابود شود، نه که به آن پیوست؟

یک جریان بی‌اعتمادی مدت‌هاست که در روابط القاعده با طالبان جریان دارد. اسناد به دست آمده از محوطه‌ای در پاکستان که در آن نیروهای آمریکایی **بن لادن** را در سال 2011 کشتند نشان می‌دهد که او نگران هدایت رهبری طالبان بوده است که به نظر او بین اردوگاهی از مؤمنان متدین و یک جناح منافق که دستور استخبارات پاکستان را انجام می‌دهند تقسیم شده است. و شاید مایل به فروش القاعده باشد. این موضوع نگرانی‌های دیگر جهادی‌های عرب را منعکس می‌کرد: برای مثال، در اواخر دهه 1990، **ابو مصعب السوری**، استراتژیست جهادی سوری، شکایت کرد که گروهی از رهبری طالبان نمی‌خواهند کاری با جهاد جهانی داشته باشند و تنها به دنبال ایجاد یک محافظه کار در افغانستان هستند. کشوری مشابه عربستان سعودی رهبری **داعش** با این استدلال که بخش ضد جهادی طالبان اکنون به شدت تحت کنترل است، موضع تهاجمی تری اتخاذ کرده است. از زمانی که مرگ **ظواهری** اعلام شد، حامیان **داعش** در فضای مجازی او را به دلیل این که طالبان از او محافظت خواهند کرد، مورد تمسخر قرار داده‌اند، و نشان می‌دهد که این گروه در عوض او را در یک بشقاب نقره‌ای برای آمریکایی‌ها سرو کرده است.

این گونه ادعاها بیش از حد قابل قبول است. طالبان یک جنبش طرفدار آمریکا نیست و رهبری آن نمی‌خواست **ظواهری** کشته شود. بنا بر گزارش‌ها، خانه‌ای که **ظواهری** در آن هدف قرار گرفت متعلق به یکی از دستیاران ارشد **سراج الدین حقانی**، وزیر داخله دولت طالبان بود. **ظواهری** احتمالاً به دعوت او آنجا بوده است. اما شخص دیگری در طالبان، شاید بیشتر به جایزه 25 میلیون دلاری پیشنهادی واشنگتن علاقه داشت تا حمایت از رهبر پیر جهادی. این واقعیت که **ظواهری** در افغانستان تحت کنترل طالبان بود، سؤالاتی را در مورد تعهدات طالبان برای جلوگیری از استفاده از قلمرو آن برای انجام حملات تروریستی ایجاد می‌کند. اما این واقعیت که نیروهای آمریکایی توانستند او را در آنجا بکشند، این ایده را که افغانستان می‌تواند به عنوان سکویی برای احیای القاعده باشد، مورد تردید

قرار می‌دهد - حتی اگر طالبان اجازه دهد. بدیهی است که ایالات متحده هنوز در افغانستان چشم و گوش دارد و تعداد زیادی همکار ما یل - شاید حتی در درون طالبان - دارد.

## بعدی کیست؟

بزرگترین چالش پیش روی القاعده در کوتاه مدت جانشینی خواهد بود. اکثر تحلیلگران معتقدند که در صف بعدی، **سیف العادل**، مبارز مصری جوانتر است که مدت کوتاهی پس از حملات 11 سپتامبر در ایران زندگی می‌کند. پس از او **عبدالرحمن المغربي**، داماد **مراکشی ظواهری** و رئیس عملیات رسانه ای القاعده که او نیز در ایران مستقر است، می‌آید. این واقعیت که هر دو در ایران ساکن هستند بی اهمیت نیست. اگرچه آنها ممکن است به میل خود آنجا نباشند، اما حضور آنها در آنجا صعود بالقوه آنها را پیچیده می‌کند. **ایران** ظاهراً دشمن القاعده است، که پیروانش **شیعیان ایرانی** و نیروهای امنیتی کشور را به عنوان "مردم رد" مرتد که بر خاور میانه دویده اند و سنی ها را در عراق، سوریه و یمن قتل عام کرده اند، توهین می‌کنند. برای القاعده فروش سختی خواهد بود که رهبر بعدی خود را به عنوان اجرای برنامه از شبه حبس خانگی در ایران معرفی کند، که این امر مشکوک به سوء ظن است که این گروه تحت فشار تهران است.

پس شاید رهبر بعدی در عوض از یکی از گروه های وابسته به القاعده باشد. بر اساس گزارش اخیر سازمان ملل، خط جانشینی، **یزید مبارک** در شمال آفریقا و **احمد دیریه** در سومالی را به عنوان بعدی پس از دو رهبر مستقر در ایران معرفی می‌کند. اما در ایران، **عادل و مغربی** که مدت ها در سایه فعالیت می‌کنند، ممکن است نخواهند اقتدار خود را به وابستگان منطقه ای واگذار کنند. همچنین مشخص نیست که رهبران وابسته علاقه مند به تصاحب ردایی باشند، زیرا آنها تعهدی به استراتژی «دشمن دور» **ظواهری** نشان نداده اند.

بنابراین، آنچه در آینده برای القاعده پیش می‌آید، نامشخص است. بعید به نظر می‌رسد که این گروه جمع شود، زیرا این برند همچنان مشروعیت جهادی زیادی را برای وابستگان منطقه ای خود ارائه می‌دهد و هویت و پرچمی را برای جمع آوری حول آن ارائه می‌دهد. اما این گروه دیگر قادر نخواهد بود مشکلاتی را که از زمان حملات 11 سپتامبر به وجود آمده است نادیده بگیرد: روابط نامناسب با ایران، بی اعتمادی و عدم همسویی با بخشی از طالبان، و عدم وجود یک استراتژی مشترک در میان نیروهای مرکزی. رهبری و وابستگان اداره یک سازمان جهانی متشکل از ستیزه جویان متعهد ایدئولوژیک هرگز آسان نبوده است - و برای القاعده، بسیار سخت تر شده است.

## سطری در مورد نویسنده:

کولی بونزیل عضو موسسه هوور، دانشگاه استنفورد و سردبیر وبلاگ جهادیکا است.

----- **با تقدیم سلامها** «2022-08-04»

